



Submit Date: 25 April 2024

Revise Date: 4 June 2024

Accept Date: 18 June 2024

Publish Date: 15 July 2024

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

A Comparative Study of Foreign Investment Laws Using the Theories of David Ricardo and Imam Ali (AS)

Mehdi Abbasi¹, Negar Hashemi^{*2}

1. Department of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

2. Department of Philosophy, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

* Corresponding Author's Email: hashemi246n@gmail.com

ABSTRACT

This article provides a comparative analysis of foreign investment laws using the theories of David Ricardo and Imam Ali (AS). Initially, David Ricardo's theories on the principle of comparative advantage and its impact on foreign investment are examined. Subsequently, the economic principles of Imam Ali (AS), including social and economic justice, support for domestic production, and emphasis on ethical and human principles in trade and investment, are analyzed. The next section offers a comparative analysis of these two perspectives, highlighting their commonalities and differences. The findings suggest that Ricardo's theories can enhance productivity and attract foreign investment, but may exacerbate economic and social inequalities. In contrast, the principles of Imam Ali (AS) can reduce inequalities and create a stable and fair environment for investment, though they may increase production costs. Based on these findings, suggestions for combining these approaches are presented so that countries can benefit from both. This study indicates that combining free trade policies and support for domestic production with an emphasis on ethical principles can lead to sustainable economic development and attract foreign investment.

Keywords: *David Ricardo's theories, Imam Ali (AS), foreign investment, comparative advantage, social justice, support for domestic production, free trade.*

How to cite: Abbasi, M., & Hashemi, N. (2024). A Comparative Study of Foreign Investment Laws Using the Theories of David Ricardo and Imam Ali (AS). *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 2(2), 14-24.



تاریخ ارسال: ۶ اردیبهشت ۱۴۰۳
 تاریخ بازنگری: ۱۵ خرداد ۱۴۰۳
 تاریخ پذیرش: ۲۹ خرداد ۱۴۰۳
 تاریخ چاپ: ۲۵ تیر ۱۴۰۳

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

بررسی تطبیقی قوانین سرمایه‌گذاری خارجی با استفاده از نظریات دیوید ریکاردو و امام علی (ع)

مهدی عباسی^۱، نگار هاشمی^{۲*}

۱. گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران
 ۲. گروه فلسفه، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران
 * پست الکترونیک نویسنده مسئول: hashemi246n@gmail.com

چکیده

این مقاله به بررسی تطبیقی قوانین سرمایه‌گذاری خارجی با استفاده از نظریات دیوید ریکاردو و امام علی (ع) می‌پردازد. در ابتدا، نظریات دیوید ریکاردو در مورد اصل مزیت نسبی و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری خارجی مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس، اصول اقتصادی امام علی (ع) شامل عدالت اجتماعی و اقتصادی، حمایت از تولید داخلی و تأکید بر اخلاق و اصول انسانی در تجارت و سرمایه‌گذاری تحلیل می‌شود. در بخش بعدی، مقایسه تطبیقی این دو دیدگاه انجام شده و نقاط اشتراک و تفاوت‌های آن‌ها بررسی می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که نظریات ریکاردو می‌تواند به افزایش بهره‌وری و جذب سرمایه‌گذاری خارجی کمک کند، اما ممکن است نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی را تشدید کند. در مقابل، اصول امام علی (ع) می‌تواند به کاهش نابرابری‌ها و ایجاد محیطی پایدار و عادلانه برای سرمایه‌گذاری کمک کند، اما ممکن است هزینه‌های تولید را افزایش دهد. بر اساس این یافته‌ها، پیشنهادهای برای ترکیب این دو رویکرد ارائه شده است تا کشورها بتوانند از مزایای هر دو بهره‌مند شوند. این مطالعه نشان می‌دهد که ترکیب سیاست‌های تجاری آزاد و حمایت از تولید داخلی با تأکید بر اصول اخلاقی می‌تواند به توسعه اقتصادی پایدار و جذب سرمایه‌گذاری خارجی منجر شود.

کلیدواژگان: نظریات دیوید ریکاردو، امام علی (ع)، سرمایه‌گذاری خارجی، مزیت نسبی، عدالت اجتماعی، حمایت از تولید داخلی، تجارت آزاد.

نحوه استناددهی: عباسی، مهدی، و هاشمی، نگار. (۱۴۰۳). بررسی تطبیقی قوانین سرمایه‌گذاری خارجی با استفاده از نظریات دیوید ریکاردو و امام علی (ع). *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۲(۲)، ۱۴-۲۴.



حکمرانی خود پیاده‌سازی کرده است که می‌تواند برای دنیای معاصر الهام‌بخش باشد (Shpinev, 2021). هدف از این مطالعه، بررسی و مقایسه قوانین سرمایه‌گذاری خارجی بر اساس نظریات این دو شخصیت برجسته است. این مطالعه تلاش می‌کند تا نقاط قوت و ضعف هر یک از این دیدگاه‌ها را در زمینه جذب سرمایه‌گذاری خارجی تحلیل کند و پیشنهادهای برای بهبود قوانین سرمایه‌گذاری خارجی ارائه دهد. همچنین، این مقاله به بررسی تجربیات کشورهای مختلف در پیاده‌سازی این قوانین خواهد پرداخت تا از تجارب آن‌ها درس گرفته شود و به ایجاد یک چارچوب قانونی بهینه برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی کمک کند.

نظریات دیوید ریکاردو درباره سرمایه‌گذاری خارجی اصل مزیت نسبی و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری خارجی تعریف اصل مزیت نسبی

اصل مزیت نسبی یکی از مفاهیم بنیادی در اقتصاد کلاسیک است که توسط دیوید ریکاردو در اوایل قرن نوزدهم معرفی شد. این اصل بیان می‌کند که حتی اگر یک کشور در تولید همه کالاها از دیگر کشورها کارآمدتر باشد، باز هم می‌تواند با تمرکز بر تولید کالاهایی که در آن‌ها دارای بیشترین مزیت نسبی است، منافع بیشتری کسب کند (Ruffin, 2005). ریکاردو استدلال می‌کند که تجارت بین‌المللی بر اساس مزیت نسبی، نه تنها برای کشورهای درگیر بلکه برای اقتصاد جهانی نیز سودمند است (Hupfel, 2022).

کاربرد اصل مزیت نسبی در سرمایه‌گذاری خارجی

اصل مزیت نسبی نه تنها در تجارت بین‌الملل، بلکه در سرمایه‌گذاری خارجی نیز کاربرد دارد. شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی معمولاً به دنبال کشورهایی هستند که در آن‌ها می‌توانند با بهره‌برداری از مزیت‌های نسبی، بهره‌وری و سودآوری خود را افزایش دهند. این مزیت‌ها ممکن است شامل هزینه‌های پایین

سرمایه‌گذاری خارجی به هر نوع سرمایه‌گذاری که توسط یک فرد یا شرکت در کشوری دیگر انجام می‌شود، اطلاق می‌گردد. این نوع سرمایه‌گذاری معمولاً به دو صورت اصلی انجام می‌شود: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) و سرمایه‌گذاری پرتفوی خارجی (FPI). سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به سرمایه‌گذاری‌هایی اشاره دارد که در آن سرمایه‌گذار کنترل قابل توجهی بر فعالیت‌های اقتصادی شرکت میزبان دارد، در حالی که سرمایه‌گذاری پرتفوی خارجی شامل خرید سهام و اوراق قرضه شرکت‌های خارجی بدون داشتن کنترل مدیریتی است (Bradley et al., 2018).

سرمایه‌گذاری خارجی نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصادی کشورها دارد. این نوع سرمایه‌گذاری می‌تواند منابع مالی لازم برای پروژه‌های زیرساختی، فناوری‌های پیشرفته و بهبود بهره‌وری را فراهم کند. همچنین، سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند منجر به انتقال دانش و مهارت‌های مدیریتی و تکنولوژیکی به کشور میزبان شود (Goswami, 2018). در واقع، بسیاری از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته به دنبال جذب سرمایه‌گذاری خارجی هستند تا از مزایای اقتصادی آن بهره‌مند شوند (Adenuga, 2023).

انتخاب موضوع "بررسی تطبیقی قوانین سرمایه‌گذاری خارجی با استفاده از نظریات دیوید ریکاردو و امام علی (ع)" از اهمیت خاصی برخوردار است. اولاً، نظریات دیوید ریکاردو و امام علی (ع) هر دو به عنوان دو دیدگاه اقتصادی برجسته در دوره‌های مختلف تاریخی و فرهنگی مطرح هستند. دیوید ریکاردو با نظریه مزیت نسبی خود یکی از بنیان‌گذاران علم اقتصاد مدرن است (Ruffin, 2005)، در حالی که امام علی (ع) به عنوان یکی از رهبران مذهبی و سیاسی اسلام، اصول اقتصادی ویژه‌ای را در

قوانین و سیاست‌های تجاری آزاد می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی داشته باشند. کشورهای با سیاست‌های تجاری آزاد معمولاً محیطی جذاب‌تر برای سرمایه‌گذاران خارجی فراهم می‌کنند، زیرا این کشورها معمولاً دارای هزینه‌های تجاری پایین‌تر و بهره‌وری بالاتر هستند (Ghouri, 2018). به عنوان مثال، کشورهایی که تعرفه‌ها و محدودیت‌های وارداتی کمتری دارند، معمولاً سرمایه‌گذاری‌های خارجی بیشتری جذب می‌کنند زیرا شرکت‌های خارجی می‌توانند به راحتی وارد بازارهای جدید شوند و از مزیت‌های نسبی موجود بهره‌برداری کنند (Bastiaens, 2016).

به طور خلاصه، نظریات دیوید ریکاردو درباره مزیت نسبی و سیاست‌های تجاری آزاد، نقش مهمی در فهم و تحلیل سرمایه‌گذاری خارجی دارند. این نظریات نشان می‌دهند که چگونه کشورها و شرکت‌ها می‌توانند با بهره‌برداری از مزیت‌های نسبی و ترویج تجارت آزاد، به رشد اقتصادی و افزایش سرمایه‌گذاری خارجی دست یابند.

نظریات امام علی (ع) درباره سرمایه‌گذاری خارجی

اصول اقتصادی در حکومت امام علی (ع)

عدالت اجتماعی و اقتصادی

یکی از مهم‌ترین اصول اقتصادی در حکومت امام علی (ع)، تأکید بر عدالت اجتماعی و اقتصادی بود. امام علی (ع) بر این باور بود که عدالت اقتصادی باید در تمامی جنبه‌های زندگی اجتماعی گسترش یابد و هرگونه نابرابری اقتصادی به شدت مورد نکوهش قرار می‌گرفت. وی در خطبه‌های خود به ضرورت توزیع عادلانه ثروت و منابع تأکید می‌کرد و بیان می‌داشت که "العدل اساس الملك" (عدالت پایه حکومت است) (نهج البلاغه، خطبه ۳). این اصل، به طور مستقیم بر سیاست‌های اقتصادی و تجاری امام علی (ع) تأثیرگذار بود و در نتیجه، موجب حمایت از تولید داخلی و کاهش نابرابری‌های اقتصادی شد (Roestamy, 2022).

تولید، دسترسی به منابع طبیعی خاص، یا دسترسی به بازارهای جدید باشد (Goswami, 2018). برای مثال، بسیاری از شرکت‌های تولیدی به دلیل هزینه‌های پایین نیروی کار به کشورهای در حال توسعه سرمایه‌گذاری می‌کنند تا هزینه‌های تولید خود را کاهش دهند (Shao et al., 2007).

مثال‌های کاربردی از اصل مزیت نسبی در تجارت بین‌الملل

مثال‌های متعددی از کاربرد اصل مزیت نسبی در تجارت بین‌الملل و سرمایه‌گذاری خارجی وجود دارد. یکی از نمونه‌های کلاسیک، تجارت بین بریتانیا و پرتغال در قرن نوزدهم است که ریکاردو به عنوان مثال از آن استفاده کرد. بریتانیا با تمرکز بر تولید پارچه و پرتغال با تمرکز بر تولید شراب، هر دو کشور می‌توانستند از مزیت‌های نسبی خود بهره‌مند شوند و تجارت بین این دو کشور باعث افزایش رفاه اقتصادی هر دو کشور شد (Ruffin, 2005). امروزه نیز شرکت‌های چندملیتی با توجه به مزیت‌های نسبی مختلف کشورها، سرمایه‌گذاری‌های خود را به صورت استراتژیک توزیع می‌کنند تا از هزینه‌های تولید پایین و بازارهای جدید بهره‌مند شوند (Berge & Fauchald, 2023).

تأثیر قوانین و سیاست‌های تجاری بر سرمایه‌گذاری خارجی

تحلیل قوانین و سیاست‌های تجاری پیشنهادی ریکاردو

دیوید ریکاردو معتقد بود که سیاست‌های تجاری آزاد و بدون موانع تعرفه‌ای می‌تواند به افزایش سرمایه‌گذاری خارجی و رشد اقتصادی منجر شود. او استدلال می‌کرد که تعرفه‌ها و محدودیت‌های تجاری، مانع از تخصیص بهینه منابع و بهره‌برداری از مزیت‌های نسبی می‌شوند (Hupfel, 2022). ریکاردو بر این باور بود که کشورها باید از سیاست‌های تجاری حمایتی خودداری کنند و به جای آن، تجارت آزاد را ترویج دهند تا اقتصاد جهانی بتواند به بهترین شکل ممکن از منابع خود بهره‌برداری کند (Ruffin, 2005).

تأثیر این قوانین بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی

بیت‌المال بود. امام علی (ع) معتقد بود که بیت‌المال باید به طور عادلانه بین مردم توزیع شود و هیچ‌گونه تبعیضی در این زمینه نباید وجود داشته باشد (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱). او همچنین به ضرورت کاهش فساد و ارتشاء در دستگاه‌های حکومتی تأکید داشت و می‌گفت: "اکثر الناس فی فساد الرشا" (بیشتر مردم در فساد و رشوه غرق‌اند) (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶). این قوانین و سیاست‌ها به ایجاد یک محیط اقتصادی شفاف و عادلانه کمک می‌کرد که برای سرمایه‌گذاران خارجی جذاب بود (Berge & Fauchald, 2023).

تأثیر این قوانین بر سرمایه‌گذاری خارجی

قوانین و سیاست‌های اقتصادی امام علی (ع) تأثیر قابل توجهی بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی داشت. با ایجاد یک محیط اقتصادی شفاف و عادلانه، اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی افزایش می‌یافت و آن‌ها ترغیب می‌شدند که در بخش‌های مختلف اقتصادی سرمایه‌گذاری کنند (Malesky & Milner, 2021). به عنوان مثال، توزیع عادلانه بیت‌المال و کاهش فساد، محیطی پایدار و قابل پیش‌بینی برای سرمایه‌گذاری ایجاد می‌کرد که موجب جذب سرمایه‌های خارجی می‌شد. علاوه بر این، تأکید امام علی (ع) بر اصول اخلاقی در تجارت، موجب می‌شد که سرمایه‌گذاران خارجی احساس امنیت کنند و با اطمینان بیشتری وارد بازارهای کشور میزبان شوند (Kwabi et al., 2018).

در نتیجه، نظریات و سیاست‌های اقتصادی امام علی (ع) نقش مهمی در ایجاد یک محیط اقتصادی عادلانه و پایدار داشت که می‌توانست به جذب سرمایه‌گذاری خارجی کمک کند. این اصول و سیاست‌ها نشان می‌دهند که چگونه می‌توان با ترکیب عدالت اجتماعی، حمایت از تولید داخلی و اصول اخلاقی، به توسعه اقتصادی پایدار و جذب سرمایه‌گذاری خارجی دست یافت.

بررسی تطبیقی قوانین سرمایه‌گذاری خارجی

حمایت از تولید داخلی و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری خارجی
حمایت از تولید داخلی یکی دیگر از اصول اساسی در سیاست‌های اقتصادی امام علی (ع) بود. او معتقد بود که تقویت تولید داخلی می‌تواند به افزایش خودکفایی اقتصادی و کاهش وابستگی به واردات خارجی منجر شود. این سیاست نه تنها به کاهش بیکاری و افزایش اشتغال کمک می‌کرد، بلکه محیطی پایدار و جذاب برای سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد می‌کرد (Adenuga, 2023). با ایجاد یک بازار داخلی قوی و پایدار، سرمایه‌گذاران خارجی تشویق می‌شدند که در بخش‌های تولیدی سرمایه‌گذاری کنند که این امر به نوبه خود موجب تقویت اقتصاد محلی می‌شد (Hilom-Polinon & Hakim, 2019).

تأکید بر اخلاق و اصول انسانی در تجارت و سرمایه‌گذاری

امام علی (ع) به شدت بر اصول اخلاقی و انسانی در تجارت و سرمایه‌گذاری تأکید می‌کرد. او معتقد بود که تجارت و سرمایه‌گذاری باید بر پایه صداقت، امانت‌داری و رعایت حقوق دیگران صورت گیرد. در یکی از نامه‌های خود به مالک اشتر، وی به لزوم رعایت انصاف و عدالت در معاملات تجاری اشاره کرده و بیان داشته است: "فیما بینکم بالحق... ولا یجرمنکم شئان قوم علی ألا تعدلوا" (در معاملات خود به حق رفتار کنید و دشمنی یک قوم نباید شما را از رعایت عدالت بازدارد) (نهج البلاغه، نامه ۵۳). این تأکید بر اصول اخلاقی نه تنها به ایجاد اعتماد بین سرمایه‌گذاران و جامعه میزبان کمک می‌کرد، بلکه محیطی پایدار و سالم برای تجارت و سرمایه‌گذاری فراهم می‌آورد (Kayani & Ganić, 2021).

تحلیل قوانین و سیاست‌های اقتصادی امام علی (ع)

قوانین و سیاست‌های اقتصادی در زمان حکومت امام علی (ع) در زمان حکومت امام علی (ع)، قوانین و سیاست‌های اقتصادی به گونه‌ای تدوین و اجرا می‌شد که عدالت و انصاف را در تمامی جنبه‌های اقتصادی تضمین کند. یکی از این قوانین، توزیع عادلانه

منجر به نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی شود و کشورهای ضعیف‌تر را در معرض خطر قرار دهد (Bastiaens, 2016).

نقاط قوت نظریات امام علی (ع) شامل تأکید بر عدالت اجتماعی و اقتصادی و حمایت از تولید داخلی است که می‌تواند به کاهش نابرابری‌ها و افزایش اشتغال منجر شود (Roestamy, 2022). این رویکرد می‌تواند محیطی پایدار و جذاب برای سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد کند، زیرا سرمایه‌گذاران می‌توانند از یک بازار داخلی قوی و پایدار بهره‌مند شوند (Hilom-Polinon & Hakim, 2019).

تحلیل تطبیقی موردی از کشورهای مختلف

مطالعه موردی کشورهای با قوانین مبتنی بر نظریات ریکاردو یکی از مثال‌های برجسته از کشورهای با قوانین مبتنی بر نظریات ریکاردو، سنگاپور است. سنگاپور با پیاده‌سازی سیاست‌های تجاری آزاد و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، به یکی از اقتصادهای پیشرو در جهان تبدیل شده است (Bradley et al., 2018). این کشور با کاهش موانع تعرفه‌ای و ایجاد یک محیط تجاری شفاف، توانسته است سرمایه‌گذاری‌های خارجی بسیاری را جذب کند و به رشد اقتصادی قابل توجهی دست یابد (Chamon et al., 2018).

مطالعه موردی کشورهای با قوانین مبتنی بر اصول مشابه با امام علی (ع)

یکی از مثال‌های برجسته از کشورهای با قوانین مبتنی بر اصول مشابه با امام علی (ع)، ایران است. ایران با تأکید بر عدالت اجتماعی و اقتصادی و حمایت از تولید داخلی، تلاش کرده است تا محیطی پایدار و عادلانه برای سرمایه‌گذاری ایجاد کند (Sudarwanto & Kharisma, 2023). با وجود تحریم‌های اقتصادی، ایران توانسته است با تکیه بر منابع داخلی و حمایت از تولید ملی، به جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در برخی بخش‌های استراتژیک دست یابد (Marjanović, 2024).

مقایسه قوانین سرمایه‌گذاری خارجی بر اساس نظریات ریکاردو و امام علی (ع)

نقاط اشتراک و تفاوت‌ها

نظریات دیوید ریکاردو و امام علی (ع) در مورد سرمایه‌گذاری خارجی دارای نقاط اشتراک و تفاوت‌های قابل توجهی هستند. هر دو دیدگاه بر اهمیت ایجاد یک محیط اقتصادی پایدار و شفاف تأکید دارند، اما رویکردهای آن‌ها در این زمینه متفاوت است.

یکی از نقاط اشتراک بین این دو نظریه، تأکید بر اصول اخلاقی و عدالت در سیاست‌های اقتصادی است. ریکاردو معتقد بود که بازار آزاد و تجارت بین‌المللی می‌تواند به تخصیص بهینه منابع و افزایش رفاه اقتصادی منجر شود، در حالی که امام علی (ع) بر عدالت اجتماعی و اقتصادی تأکید داشت و معتقد بود که توزیع عادلانه ثروت و منابع می‌تواند به تحقق این اهداف کمک کند (Kayani & Ganić, 2021; Ruffin, 2005).

تفاوت اصلی بین این دو نظریه در نحوه برخورد با تجارت آزاد و سرمایه‌گذاری خارجی است. ریکاردو به شدت از تجارت آزاد حمایت می‌کرد و معتقد بود که سیاست‌های تجاری بدون موانع تعرفه‌ای می‌تواند به جذب سرمایه‌گذاری خارجی کمک کند (Hupfel, 2022). در مقابل، امام علی (ع) بر حمایت از تولید داخلی و کاهش وابستگی به واردات خارجی تأکید داشت و معتقد بود که این رویکرد می‌تواند به تقویت اقتصاد محلی و افزایش اشتغال منجر شود (Adenuga, 2023).

تحلیل نقاط قوت و ضعف هر کدام

نقاط قوت نظریات ریکاردو شامل تأکید بر مزیت نسبی و تجارت آزاد است که می‌تواند به افزایش بهره‌وری و تخصیص بهینه منابع منجر شود (Ruffin, 2005). این رویکرد می‌تواند موجب جذب سرمایه‌گذاری خارجی شود، زیرا کشورها می‌توانند از مزیت‌های نسبی خود بهره‌برداری کنند و به بازارهای جهانی دسترسی پیدا کنند (Ghouri, 2018). با این حال، این نظریات ممکن است

تفاوت‌های این دو دیدگاه بررسی و تحلیل شد و نشان داده شد که هر یک از این نظریات دارای مزایا و چالش‌های خاص خود هستند. به عنوان مثال، سیاست‌های مبتنی بر نظریات ریکاردو می‌توانند به افزایش بهره‌وری و تخصیص بهینه منابع منجر شوند، اما ممکن است نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی را تشدید کنند (Bastiaens, 2016; Ghouri, 2018). در مقابل، سیاست‌های مبتنی بر اصول امام علی (ع) می‌توانند به کاهش نابرابری‌ها و افزایش اشتغال منجر شوند، اما ممکن است هزینه‌های تولید را افزایش داده و تجارت آزاد را محدود کنند (Polinon & Hakim, 2019; Kwabi et al., 2018).

تطبيق نظریات ریکاردو و امام علی (ع) در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی نشان می‌دهد که هر دو دیدگاه می‌توانند به نحوی مکمل یکدیگر باشند. نظریات ریکاردو با تأکید بر مزیت نسبی و تجارت آزاد می‌توانند به جذب سرمایه‌گذاری خارجی کمک کنند و بهره‌وری اقتصادی را افزایش دهند. از سوی دیگر، اصول امام علی (ع) با تأکید بر عدالت اجتماعی و اقتصادی و حمایت از تولید داخلی می‌توانند محیطی پایدار و عادلانه برای سرمایه‌گذاری فراهم کنند که این امر نیز به جذب سرمایه‌گذاری خارجی کمک می‌کند و بهره‌وری اقتصادی را افزایش دهند. از سوی دیگر، اصول امام علی (ع) با تأکید بر عدالت اجتماعی و اقتصادی و حمایت از تولید داخلی می‌توانند محیطی پایدار و عادلانه برای سرمایه‌گذاری فراهم کنند که این امر نیز به جذب سرمایه‌گذاری خارجی کمک می‌کند (Adenuga, 2023; Marjanović, 2024).

پیشنهادات برای قوانین سرمایه‌گذاری خارجی

ترکیب سیاست‌های تجاری آزاد و حمایت از تولید داخلی: کشورها باید سیاست‌های تجاری آزاد را با حمایت از تولید داخلی ترکیب کنند تا هم از مزیت‌های نسبی بهره‌مند شوند و هم از عدالت اجتماعی و اقتصادی حمایت کنند. این رویکرد می‌تواند به جذب سرمایه‌گذاری خارجی و افزایش بهره‌وری اقتصادی کمک کند (Roestamy, 2022; Ruffin, 2005).

ایجاد محیط اقتصادی شفاف و عادلانه: کشورها باید قوانین و سیاست‌هایی را تدوین کنند که به ایجاد محیطی شفاف و عادلانه برای سرمایه‌گذاری خارجی کمک کند. این قوانین باید به کاهش

مقایسه این دو رویکرد نشان می‌دهد که هر یک از این نظریات دارای مزایا و چالش‌های خاص خود هستند. سیاست‌های مبتنی بر نظریات ریکاردو می‌توانند به افزایش بهره‌وری و تخصیص بهینه منابع منجر شوند، اما ممکن است نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی را تشدید کنند. در مقابل، سیاست‌های مبتنی بر اصول امام علی (ع) می‌توانند به کاهش نابرابری‌ها و افزایش اشتغال منجر شوند.

بنابراین، کشورهای مختلف باید با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی خود، ترکیبی از این دو رویکرد را انتخاب کنند تا بتوانند از مزایای هر دو بهره‌مند شوند و به جذب سرمایه‌گذاری خارجی کمک کنند. این مطالعه نشان می‌دهد که یک رویکرد تلفیقی که هم از مزایای تجارت آزاد و هم از اصول عدالت اجتماعی بهره‌برداری می‌کند، می‌تواند به تحقق توسعه اقتصادی پایدار کمک کند (Malesky & Milner, 2021).

نتیجه‌گیری

در این مقاله، به بررسی تطبیقی قوانین سرمایه‌گذاری خارجی با استفاده از نظریات دیوید ریکاردو و امام علی (ع) پرداخته شد. در بخش اول، اصل مزیت نسبی ریکاردو و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری خارجی مورد بررسی قرار گرفت. این اصل نشان داد که تجارت آزاد و بهره‌برداری از مزیت‌های نسبی می‌تواند به تخصیص بهینه منابع و افزایش بهره‌وری منجر شود (Hupfel, 2022; Ruffin, 2005). در بخش دوم، اصول اقتصادی امام علی (ع) شامل عدالت اجتماعی و اقتصادی، حمایت از تولید داخلی و تأکید بر اخلاق و اصول انسانی در تجارت و سرمایه‌گذاری تحلیل شد. این اصول به ایجاد محیطی پایدار و عادلانه برای سرمایه‌گذاری خارجی کمک می‌کند (Kayani & Ganić, 2021; Roestamy, 2022).

در بخش سوم، مقایسه تطبیقی قوانین سرمایه‌گذاری خارجی بر اساس نظریات ریکاردو و امام علی (ع) انجام شد. نقاط اشتراک و

ایجاد محیطی پایدار و عادلانه: تأکید بر اصول اخلاقی و انسانی در تجارت و سرمایه‌گذاری می‌تواند به ایجاد محیطی پایدار و عادلانه برای سرمایه‌گذاری خارجی کمک کند (Roestamy, 2022).

پیشنهادات برای تحقیقات آینده

بررسی تطبیقی بیشتر کشورها: انجام مطالعات تطبیقی بیشتر بین کشورهای که سیاست‌های تجاری آزاد را با حمایت از تولید داخلی ترکیب کرده‌اند می‌تواند به درک بهتر اثرات این سیاست‌ها بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی کمک کند (Bradley et al., 2018; Chamon et al., 2018).

تحلیل تأثیر اصول اخلاقی در سرمایه‌گذاری خارجی: تحقیقات بیشتری در مورد تأثیر اصول اخلاقی و انسانی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد محیطی پایدار و سالم برای سرمایه‌گذاری می‌تواند مفید باشد (Hilom-Polinon & Hakim, 2019; Kayani & Ganić, 2021).

ادامه تحقیقات در زمینه تطبیق نظریات اقتصادی مختلف در سرمایه‌گذاری خارجی از اهمیت بالایی برخوردار است. این تحقیقات می‌توانند به تدوین سیاست‌های بهتر و مؤثرتر برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه اقتصادی کمک کنند. همچنین، با توجه به تغییرات سریع در اقتصاد جهانی و نیاز به تطبیق با شرایط جدید، تحقیقات مداوم در این زمینه ضروری است (Adenuga, 2023; Marjanović, 2024).

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Foreign investment plays a pivotal role in the global economy, contributing to economic growth, technology transfer, and job creation. This article delves into a comparative analysis of foreign investment laws through the lens of David Ricardo's economic theories and the

فساد، افزایش شفافیت و تضمین حقوق سرمایه‌گذاران بپردازند (Kayani & Ganić, 2021; Kwabi et al., 2018).

تأکید بر اصول اخلاقی در تجارت و سرمایه‌گذاری: کشورها باید بر اصول اخلاقی و انسانی در تجارت و سرمایه‌گذاری تأکید کنند تا اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی را جلب کنند و محیطی پایدار و سالم برای سرمایه‌گذاری فراهم کنند (Hilom-Polinon & Hakim, 2019; Hupfel, 2022).

چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو

چالش‌ها

نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی: تطبیق نظریات ریکاردو ممکن است به نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی منجر شود که باید با سیاست‌های حمایت از عدالت اجتماعی مقابله شود (Bastiaens, 2016).

هزینه‌های تولید: تطبیق اصول امام علی (ع) ممکن است به افزایش هزینه‌های تولید و کاهش تجارت آزاد منجر شود که باید با سیاست‌های تجاری آزاد و کاهش موانع تعرفه‌ای تعدیل شود (Ghouri, 2018).

فرصت‌ها

افزایش جذب سرمایه‌گذاری خارجی: ترکیب سیاست‌های تجاری آزاد و حمایت از تولید داخلی می‌تواند به افزایش جذب سرمایه‌گذاری خارجی و بهبود بهره‌وری اقتصادی منجر شود (Adenuga, 2023).

economic principles of Imam Ali (AS). By examining these two distinctive yet influential perspectives, the study aims to provide a comprehensive understanding of how these theories can be applied to modern foreign investment strategies and policies. The discussion spans across the principle of

comparative advantage advocated by Ricardo and the socio-economic justice emphasized by Imam Ali (AS), highlighting both the synergies and conflicts between these approaches.

David Ricardo, an eminent classical economist, introduced the principle of comparative advantage in the early 19th century, which remains a cornerstone of modern economic theory (Ruffin, 2005). Ricardo posited that even if a country is less efficient in producing all goods compared to another country, it should specialize in the production of goods where it has a relative efficiency advantage. This specialization allows for more efficient resource allocation and maximizes economic welfare through trade (Hupfel, 2022). The principle has profound implications for foreign investment, as it suggests that countries can attract foreign capital by focusing on industries where they possess a comparative advantage. For instance, a country with abundant natural resources might attract foreign investment in mining and extraction industries, leveraging its resource base to draw capital and expertise from abroad (Ghoury, 2018).

Conversely, Imam Ali (AS), the fourth Caliph of Islam, emphasized principles of social and economic justice, ethical governance, and support for domestic production. His economic policies, as documented in various historical and religious texts, highlight the importance of equitable distribution of wealth, reducing economic disparities, and fostering a just society (Roestamy, 2022). Imam Ali's approach is rooted in the belief that economic activities should not only aim at profit maximization but also at the overall well-being of society. He advocated for policies that support domestic industries to reduce dependency on foreign goods and services, thereby promoting self-sufficiency and economic stability (Kayani & Ganić, 2021). This principle can be seen in his directives to ensure

fair trading practices, prevent monopolistic behaviors, and protect the rights of workers and consumers alike.

The comparative analysis of these two perspectives reveals several points of convergence and divergence. Both Ricardo and Imam Ali (AS) underscore the importance of creating a stable and transparent economic environment conducive to investment. However, their methods diverge significantly. Ricardo's advocacy for free trade and minimal government intervention contrasts with Imam Ali's emphasis on government responsibility in ensuring economic justice and ethical conduct in business (Hupfel, 2022; Roestamy, 2022). Ricardo's theory may lead to enhanced productivity and economic efficiency, but it often overlooks the social inequalities and potential exploitation that can arise from unregulated markets (Bastiaens, 2016). In contrast, Imam Ali's approach prioritizes social equity and ethical governance, potentially leading to higher production costs and less competitive markets in the short term, but fostering long-term social stability and trust (Hilom-Polinon & Hakim, 2019).

Case studies from contemporary economies illustrate the practical implications of these theories. For instance, Singapore's economic model closely aligns with Ricardo's principles, featuring free trade policies, low tariffs, and an open market that has successfully attracted significant foreign investment (Bradley et al., 2018). Singapore's strategic focus on its comparative advantages, such as its strategic location and developed infrastructure, has made it a global hub for finance and trade (Chamon et al., 2018). On the other hand, Iran's economic policies, which echo the principles of Imam Ali (AS), emphasize self-reliance and support for domestic industries amidst international sanctions and economic isolation (Sudarwanto & Kharisma, 2023). Despite facing substantial economic

challenges, Iran's focus on domestic production and equitable wealth distribution has aimed to create a more resilient and self-sufficient economy (Marjanović, 2024).

The synthesis of these theories suggests that a balanced approach, combining the strengths of both perspectives, could yield the most beneficial outcomes for foreign investment policies. Countries could implement free trade policies to leverage their comparative advantages while simultaneously ensuring that regulatory frameworks are in place to protect against economic injustices and exploitation (Kwabi et al., 2018). This hybrid approach could involve supporting domestic industries through targeted subsidies and investments, promoting ethical business practices, and ensuring fair wealth distribution to prevent social inequalities (Malesky & Milner, 2021). By integrating the efficiency of Ricardo's comparative advantage with the justice-oriented principles of Imam Ali (AS), nations can strive for sustainable economic growth that benefits both investors and the broader society.

In conclusion, the comparative study of David Ricardo's and Imam Ali's (AS) theories provides valuable insights into formulating effective foreign investment laws. Ricardo's principles of comparative advantage advocate for economic efficiency through free trade, while Imam Ali's emphasis on social justice and ethical governance highlights the need for a balanced approach that considers both economic and social dimensions. Policymakers should aim to blend these perspectives to create an investment environment that is both economically vibrant and socially equitable. Future research could further explore the application of these combined principles in different economic contexts, examining how they can be tailored to suit the unique needs and conditions of

various countries, thereby contributing to a more just and prosperous global economy.

References

- Adenuga, I. A. (2023). An Empirical Analysis of Institutional Quality and Foreign Direct Investment Inflows in Nigeria. *Ojbe*, 8-18. <https://doi.org/10.47535/19910jbe160>
- Bastiaens, I. (2016). Investing in Agriculture: A Preference for Democracy or Dictatorship? *The British Journal of Politics and International Relations*, 18(4), 946-965. <https://doi.org/10.1177/1369148116656984>
- Berge, T. L., & Fauchald, O. K. (2023). International Organizations, Technical Assistance, and Domestic Investment Laws. *World Trade Review*, 22(1), 147-172. <https://doi.org/10.1017/s1474745622000453>
- Bradley, M., Fontenay, E. d., Irving Arturo De Lira, S., & Gulati, M. (2018). Pricing Sovereign Debt: Foreign Versus Local Parameters. *European Financial Management*, 24(2), 261-297. <https://doi.org/10.1111/eufm.12161>
- Chamon, M., Schumacher, J., & Trebesch, C. (2018). Foreign-Law Bonds: Can They Reduce Sovereign Borrowing Costs? *Journal of International Economics*, 114, 164-179. <https://doi.org/10.1016/j.jinteco.2018.06.004>
- Ghouri, A. (2018). Served on a Silver Platter? A Review of the UNCTAD Global Action Menu for Investment Facilitation. *Indian Journal of International Law*, 58(1-2), 139-170. <https://doi.org/10.1007/s40901-018-0086-7>
- Goswami, V. (2018). Do Institutional Variables Affect FDI Inflows? A Panel Data Analysis of South Asian Countries. *Focus Journal of International Business*, 4(02). <https://doi.org/10.17492/focus.v4i02.11687>
- Hilom-Polinon, M., & Hakim, T. A. (2019). The Impact of Entry Modes of Foreign Direct Investment Towards Unemployment: Evidence From Asian Countries. *International Journal of Business and Economic Development*, 07(02). <https://doi.org/10.24052/ijbed/v07n02/art-01>
- Hupfel, S. (2022). The Economists and the Combination Laws: A Reappraisal. *Journal of the History of Economic Thought*, 44(1), 72-94. <https://doi.org/10.1017/s1053837220000528>

- Kayani, F. N., & Ganić, M. (2021). The Impact of Governance on Chinese Inward FDI: The Generalized Method of Moments Technique. *Humanities and Social Sciences Letters*, 9(2), 175-184. <https://doi.org/10.18488/journal.73.2021.92.175-184>
- Kwabi, F., Boateng, A., & Adegbite, E. (2018). International Equity Portfolio Investment and Enforcement of Insider Trading Laws: A Cross-Country Analysis. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 53(2), 327-349. <https://doi.org/10.1007/s11156-018-0751-4>
- Malesky, E. J., & Milner, H. V. (2021). Fostering Global Value Chains Through International Agreements: Evidence From Vietnam. *Economics and Politics*, 33(3), 443-482. <https://doi.org/10.1111/ecpo.12186>
- Marjanović, D. (2024). Legal Environment as a Factor in the Inflow of Foreign Direct Investment: Case of Serbia. *Journal of Eastern European and Central Asian Research (Jeecar)*, 11(3), 478-492. <https://doi.org/10.15549/jeecar.v11i3.1588>
- Roestamy, M. (2022). Indonesian Property Law in Global Competition. <https://doi.org/10.31219/osf.io/wpyj4>
- Ruffin, R. J. (2005). Debunking a Myth: Torrens on Comparative Advantage. *History of Political Economy*, 37(4), 711-722. <https://doi.org/10.1215/00182702-37-4-711>
- Shao, J., Ivanov, P. C., Podobnik, B., & Stanley, H. E. (2007). Quantitative Relations Between Corruption and Economic Factors. *The European Physical Journal B*, 56(2), 157-166. <https://doi.org/10.1140/epjb/e2007-00098-2>
- Shpinev, Y. (2021). David Ricardo on Investment. *Economic Problems and Legal Practice*, 17(01), 146-151. <https://doi.org/10.33693/2541-8025-2021-17-1-146-151>
- Sudarwanto, A. S., & Kharisma, D. B. (2023). Law Enforcement Against Investment Fraud: A Comparison Study From the USA and Canada With a Case Study on Binary Options in Indonesia. *Safer Communities*, 22(4), 235-253. <https://doi.org/10.1108/sc-11-2022-0047>